

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال نهم، شماره‌ی سی‌وسوم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۷۰-۴۷

کاوش‌های باستان‌شناسانه و عتیقه‌یابی سیاحان و شرق‌شناسان اروپایی در عهد قاجار

علی محمد طرفداری^۱

چکیده

پیشینه‌ی بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی جدید و علمی در ایران به طور عمده به دوره‌ی قاجاریه بازمی‌گردد. هرچند پیشینه‌ی مطالعات شرق‌شناسی اروپاییان در ایران از دوران قاجار فراتر است، اما تا دوره‌ی قاجارها باستان‌شناسی علمی در ایران معنا و مفهوم چندانی نداشت و مطالعات مأموران و شرق‌شناسان اروپایی در ایران عمدتاً بر شناسایی آثار باستانی ایران متمرکز بود و کمتر حفاری‌های باستان‌شناسانه‌ی علمی را در بر می‌گرفت. در پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بررسی مهم‌ترین آثار و گزارش‌های سیاحان و شرق‌شناسان اروپایی درباره‌ی آثار تاریخی و باستانی، اشیای عتیقه و کاوش‌های باستان‌شناسانه در ایران، مسئله‌ی اصلی پژوهش یعنی چگونگی جست‌وجوها و کاوش‌های باستان‌شناسانه‌ی شرق‌شناسان اروپایی و گسترش باستان‌شناسی عتیقه‌محور در ایران عهد قاجار مورد ریشه‌یابی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های مطالعه‌ی حاضر نشان می‌دهد که شرق‌شناسان اروپایی دوره‌ی قاجار نقشی محوری در شروع و گسترش کاوش‌های باستان‌شناسانه‌ی عتیقه‌محور و تبدیل آثار تاریخی و هنری ایران به کالاهای تجاری و ایجاد بازار برای «عتیقه‌جات» ایرانی و خروج بخش عظیمی از میراث فرهنگی و تاریخی ایران به اروپا و سایر کشورهای جهان داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی، شرق‌شناسی، دوره‌ی قاجاریه، گنج‌یابی، تجارت عتیقه‌جات

۱. استادیار تاریخ سازمان اسناد و کتابخانه ملی. (tarafdary@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۷ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

مقدمه

تاریخ مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسانه‌ی جدید و علمی در ایران به طور عمده با دوره‌ی قاجار آغاز می‌شود. تا پیش از دوره‌ی قاجار، باستان‌شناسی علمی در ایران معنا و مفهوم چندانی نداشت و حتی مطالعات ایران‌شناسان و شرق‌شناسان اروپایی در ایران نیز غالباً و عمدتاً بر شناسایی کتیبه‌ها، بناها و آثار باستانی و تاریخی برجای مانده از سده‌های گذشته و به ویژه از دوران ایران باستان متمرکز بود و کمتر حفاری‌های باستان‌شناسانه‌ی علمی را در بر می‌گرفت. در واقع تا پیش از دوره‌ی قاجار (و از جهاتی حتی تا به امروز) آنچه می‌توانست در شمول کاوش‌های باستان‌شناسانه در نظر گرفته شود، بیش و پیش از هر چیز رنگ‌وبوی گنج‌یابی و به دست آوردن ثروت‌های افسانه‌ای طلا و نقره‌ی سلاطین گذشته، شبیه به داستان‌های هزار و یک شب را داشت و غالباً کمترین نشانه‌ای از مطالعات علمی یا تلاش برای شناخت گذشته در آن به چشم نمی‌خورد. در این میان افراد متخصص گنج‌یابی نیز وجود داشتند که به صورت تجربی و بر اساس مدارک مکتوبی که محل اختفای گنج‌های جواهرات و طلا و نقره را نشانه‌گذاری یا ثبت و ضبط کرده بودند و نزد عوام با عنوان کلی «نقشه‌ی گنج» شناخته می‌شدند، به کار پیدا کردن گنجینه‌های پنهان در دل خاک یا بناهای ویران مشغول بودند^۱ و همچون سایر مشاغل دلالانی - عموماً یهودی یا ارمنی - نیز در این عرصه پدید آمده بودند که کارشان تجارت و دادوستد آثار عتیقه یا «عتیقه‌جات»، و به خصوص فروش این آثار به اروپاییان و موزه‌های خصوصی یا عمومی اروپایی بود. البته کار پیدا کردن گنج تنها به این افراد متخصص یا گنج‌یابان حرفه‌ای، که عموماً حاصل مادی بیابان‌گردی‌ها و تیله‌کنی‌هایشان به کیسه‌ی دلالان می‌رفت، محدود نمی‌شد و عموم مردم عادی نیز گاه و بی‌گاه یا بر حسب تصادف به گنجینه‌هایی دست می‌یافتند و می‌کوشیدند تا مخفیانه این گنج‌های بادآورده را برای خود تصاحب کنند. طبعاً در این حوزه نیز مالکیت این گنج‌های نویافته با امرا و والیان و حکام مناطق مختلف و سرآخر مالک نهایی «مملکت» یعنی شخص «شاه» بود که هر کجا ثروتی و به هر شکلی

۱. در دوره‌ی قاجار از کاوش‌های گنج‌یابی بیشتر با عنوان «تیله‌کنی» یاد می‌کردند. برای اطلاعات بیشتر در این باب نک. غلام‌رضا معصومی، (۱۳۸۳)، *تاریخچه‌ی علم باستان‌شناسی*، تهران: سمت، ص. ۱۵.

به دست می‌آمد، به سهولت و با بهره‌گیری از قدرت سیاسی و نظامی خود آن را تصاحب می‌کرد،^۱ چنان که تا به همین امروز نیز مالکیت آثار تاریخی و اشیای باستانی تحت عنوان «آثار ملی» به طور عمده با دولت است و عموم مردم در این حوزه و از بعد مالکیت رسمی و قانونی اختیار چندانی ندارند.^۲ از سوی دیگر، همین اختیار تام و نهایی سلطان قاجار و به طور خاص ناصرالدین شاه - که دوره‌ی طولانی سلطنت او با دوران گسترش کاوش‌های باستان‌شناسانه‌ی اروپاییان و گنج‌یابی‌های مردم محلی همزمان بود - باعث شد تا مسئله‌ی امتیاز حفاری‌های باستان‌شناسانه نیز به مجموع امتیازات گوناگونی که شاهان قاجار به اروپاییان یا امرای داخلی واگذار می‌کردند اضافه شود، به شرط آن که سهم «شاه» نیز متناسب با اولویت دربار از یافته‌های مکشوفه و خصوصاً طلا و نقره و جواهرات لحاظ گردد.^۳

اما آنچه بیش از همه بر توسعه‌ی این روند حفاری‌های باستان‌شناسانه و عتیقه‌محور در دوره‌ی قاجار افزود، تبدیل روند سنتی گنج‌یابی به «تجاری شدن» آثار «عتیقه» طی دوران قاجاریه بود که به عنوان پدیده‌ای نوظهور و با حضور و ظهور گسترده‌ی اروپاییان در این عرصه در ایران عهد قاجار آغاز و باعث شد تا گستره‌ی گنج‌یابی که تا پیش از آن عمدتاً فلزات گران‌بهای طلا و نقره را در بر می‌گرفت، به هر اثر بازمانده از گذشته و به

۱. در آثار و سفرنامه‌های سیاحان و ایران‌شناسان دوره‌ی قاجار ماجراهای چندی از این گنج‌یابی‌های تصادفی و پنهان کردن آن‌ها از سوی یابندگان ذکر شده است که طی آن امرای حکومت و در نهایت شخص سلطان و غالباً ناصرالدین شاه برای تصاحب کل گنجینه، یابندگان را به زیر داغ و درفش می‌کشیدند تا محل اختفای طلاهای مکشوفه را معلوم سازند. برای ملاحظه‌ی چند نمونه از این ماجراها نک. چارلز جیمز ویلز، ۱۳۸۸، *ایران در یک قرن پیش: سفرنامه‌ی دکتر ویلز*، ترجمه‌ی غلام‌حسین قراگزلو، تهران: اقبال، ص. ۹۸-۹۴؛ هینریش پروگش، (۱۳۶۷)، *سفری به دربار سلطان صاحب‌قران*، ج. ۲، ترجمه‌ی محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات، ص. ۵۹۸-۵۹۷.

۲. برای ملاحظه‌ی بحث‌های حقوقی و مشکلات قانونی مرتبط با مالکیت آثار و اشیای تاریخی در ایران، نک. علی‌محمد طرفداری، (۱۳۸۱)، «تأملی در مبانی حقوقی مالکیت آثار باستانی در ایران»، *روزنامه ایران*، ش. ۲۳۴۶، ۱۳۸۱/۱۰/۱۱.

۳. برای ملاحظه‌ی بررسی‌های بیشتر در این باره، نک. باربارا هلوینگ و پاتریسیا رحیمی‌پور، (۱۳۹۵)، *تهران ۵۰: تاریخچه‌ی نیم قرن حضور باستان‌شناسان آلمانی در ایران*، ترجمه‌ی حمید فهیمی، تهران: موزه‌ی ملی ایران، ص. ۴۲-۴۳.

ویژه آثار دارای ارزش هنری، فرهنگی، تاریخی، مذهبی و... تسری یابد و بدین سان تمامی آثار برجای مانده از گذشته به عنوان آثار «عتیقه» - و نه «آثار ملی» - جنبه‌ی تجاری پیدا کنند و وارد چرخه‌ی ناسالم تجارت و خریدوفروش «عتیقه‌جات» شوند. این روند مخرب، غیرفرهنگی و غیرعلمی که طی ادوار بعد و حتی تا همین امروز نیز ادامه داشته است،^۱ مهم‌ترین و برجسته‌ترین مشخصه‌ی کاوش‌ها و حفاری‌های باستان‌شناسانه در ایران عهد قاجار را شکل داد و سود بادآورده‌ی نهفته در آن بر دامنه‌ی تخریب و خروج مواریث تاریخی ایران به سوی کشورهای اروپایی بیش از پیش افزود و برای نخستین بار در تاریخ ایران و بل جهان موجب پیدایش پدیده‌ای به مراتب مخرب‌تر از تجارت غیررسمی آثار تاریخی، یعنی «جعل» آثار و اشیای تاریخی و عتیقه شد که علاوه بر آسیب‌های علمی، گاه تبعات منفی فرهنگی و حتی هویتی را نیز برای مواریث و تاریخ ملی کشورهای مختلف به ارمغان آورده است که پرداختن بدان پژوهش مستقل دیگری می‌طلبد. تحقیق حاضر در صدد پاسخ به این پرسش اصلی است که مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسانه‌ی شرق‌شناسان و جویندگان اروپایی چگونه بوده است و اروپاییان مذکور تا چه اندازه در گسترش کندوکاوه‌ای عتیقه‌محور در ایران عهد قاجار نقش و سهم داشته‌اند؟ تاکنون بررسی تاریخ تحولات باستان‌شناسی ایران در دوره‌ی قاجار به طور کلی و بررسی نقش شرق‌شناسان اروپایی در تحولات مذکور به طور خاص کمتر مورد توجه پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات تاریخی قرار گرفته و بیشتر باستان‌شناسان به بررسی تاریخ تحولات این علم در ایران پرداخته و آثاری را در قالب کتاب یا مقاله در این باره به نگارش درآورده‌اند که از میان آن‌ها آثاری چون *ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سیه‌دم شهرنشینی اثر صادق ملک شهمیرزادی؛ تاریخچه‌ی علم باستان‌شناسی اثر غلام‌رضا معصومی؛ و مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران اثر عزت‌الله نگهبان* در

۱. برای ملاحظه‌ی مستندات مربوط به تداوم این مسئله در ادوار بعد و به خصوص در دوران پهلوی اول و دوم تا روزگار حاضر، نک. عزت‌الله نگهبان، (۱۳۸۵)، *مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، و نشر سبحان نور؛ داود کریم‌لو، (۱۳۸۱-۱۳۸۴)، *تاراج میراث ملی*، ج ۴، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

زمره‌ی کتاب‌های مرجع و برجسته‌ی این حوزه قرار دارند. اما در کنار این آثار، برخی محققان حوزه‌ی مطالعات تاریخی نیز در قالب کتاب‌ها یا مقالاتی چند به تاریخ تحولات باستان‌شناسی غربیان در ایران توجه نشان داده‌اند که طی آن عمدتاً به موضوع غارت آثار باستانی ایران از سوی باستان‌شناسان غربی و بیشتر در دوره‌ی پهلوی پرداختند. از جمله آثار شاخص این حوزه کتاب *تاراج بزرگ: آمریکا و غارت میراث فرهنگی ایران* (۱۳۲۰-۱۳۰۴ خ) اثر محمدقلی مجد است که اشاره‌هایی اندک به کارنامه‌ی باستان‌شناسی اروپاییان در ایران اواخر عهد قاجار را نیز در بر دارد. همچنین در بعضی مقالات همچون مقاله‌ی «نگرش عوام به آثار باستانی در دوره قاجار» تألیف مریم رفیعی آتانی و حمیده چوبک نگرش عمومی مردم عصر قاجار به آثار باستانی ایران بر اساس منابع داخلی و بعضی از سفرنامه‌های اروپایی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. اما در هیچ کدام از این آثار به طور خاص کاوش‌های باستان‌شناسانه و عتیقه‌یابی شرق‌شناسان و سیاحان اروپایی در عهد قاجار براساس گزارش‌ها و مکتوبات دست اول آن‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته و به خصوص نقش و سهم اروپاییان مذکور در شروع و گسترش کاوش‌های باستان‌شناسانه‌ی عتیقه‌محور و تبدیل آثار تاریخی و هنری ایران به کالاهای تجاری و ایجاد بازار برای «عتیقه‌جات» ایرانی - براساس گزارش‌ها و سفرنامه‌های خود آن‌ها - چندان به صورت موردی و مستقل بررسی نشده است.

برای بررسی نکات و مسائل مورد اشاره، از روش تحقیق کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. مبنای این توصیف و تحلیل متون و گزارش‌های دست اول مهم‌ترین شرق‌شناسان و سیاحان اروپایی دوره‌ی قاجار بوده است که در مطالعات خود بیش از سایرین بر بررسی آثار باستانی، کندوکاوهای باستان‌شناسانه و جست‌وجوی آثار عتیقه در ایران تکیه داشته‌اند. حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که شرق‌شناسان و سیاحان اروپایی در بازشناسی آثار باستانی ایران، شروع و گسترش کاوش‌های باستان‌شناسانه‌ی عتیقه‌محور، تبدیل آثار تاریخی و هنری ایران به کالاهای تجاری، خروج بخش عظیمی از میراث فرهنگی و تاریخی ایران به اروپا و سایر کشورهای جهان، و پایه‌گذاری تدریجی باستان‌شناسی علمی و روشمند در ایران جایگاهی محوری داشته‌اند.

شرق‌شناسان اروپایی و حفاری‌های باستان‌شناسانه، گنج‌یابی و گردآوری آثار عتیقه پرداختن به آثار باستانی و تاریخی ایران زمین و به طور کلی شرق میانه، از بُعد حفاری و کاوش در محوطه‌های کهن ایران و به ویژه محوطه‌های مربوط به ایران باستان و نیز بناهای ویران‌شده، در کنار گردآوری و خرید آثار و اشیای عتیقه و نسخه‌های خطی عربی و فارسی از جمله محورهای اساسی فعالیت‌های شرق‌شناسان و سیاحان اروپایی از همان ابتدای دوره قاجاریه و به خصوص بعد از پایان توسعه‌طلبی‌های ارضی روسیه تزاری علیه مناطق شمال غربی ایران به شمار می‌رود. در حقیقت، کمتر سفرنامه‌ای از شرق‌شناسان و سیاحان اروپایی درباره‌ی ایران وجود دارد که در آن اشاره‌ای ولو مختصر به موضوع آثار تاریخی ایران، خرید و فروش اشیای عتیقه یا حتی دخالت اروپاییان در شرق‌شناسی در حوزه‌ی کاوش و حفاری‌های گنج‌یابی نشده باشد، که این به وضوح مشخص می‌کند علاوه بر شرق‌شناسان و جویندگان مسائل تاریخ ایران، عموم سیاحان غربی مقیم ایران نیز به گردآوری، خرید اشیای تاریخی و هنری و یا انتقال موارث فرهنگی و تاریخی ایران به موزه‌های اروپایی علاقه‌مند یا موظف بوده و در این حوزه فعالیت می‌کرده‌اند. ضمن آن که غنای سراسر نقاط مختلف ایران از نظر باستان‌شناسی و وجود آثار تمدن‌های کوچک و بزرگ ادوار گوناگون پیش و پس از تاریخ هم از جمله موضوعاتی است که غالب این گروه از جویندگان اروپایی در آثار خود بدان اشاره کرده و حتی در میان ایرانیان عهد قاجار نیز به توجه گسترده بدین آثار شهره شده‌اند.^۱

از میان پیشگامان جست‌وجوگر آثار باستانی و عتیقه‌های ایرانی در اوایل دوره قاجار، باید از جیمز ژوستین موریه،^۲ خالق داستان معروف حاجی بابای اصفهانی، از نخستین ایران‌شناسان بریتانیایی و از اعضای هیئت سیاسی انگلستان در ایران و نیز از اولین کاشفان و بررسان آثار تاریخی ایران پیش از اسلام، نام برد. او که کار مطالعات و

۱. یک نمونه‌ی شاخص از این شهرت اروپاییان به عنوان جویندگان صرف «خرده‌ریز و اشیای قدیمی» را ادوارد براون، مستشرق شهیر انگلیسی، در ضمن بیان گفت‌وگوی خود با کدخدای روستایی در فارس از قول وی نقل کرده است. نک. ادوارد گرانویل براون، (۱۳۸۱)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه‌ی منی صالحی علامه، تهران: ماه‌ریز، ص. ۲۷۸-۲۷۹.

2. James Justinian Morier (1782-1849)

بررسی‌های خود را با جست‌وجو در ویرانه‌های اطراف کازرون آغاز کرد، و سپس به کاوش و حفاری در تخت جمشید روی آورد و توانست مجسمه‌های سالمی را از دل خاک بیرون آورد،^۱ در سفرنامه‌ی خود، افزون بر مباحث مربوط به توصیف و بررسی بناها و آثار و عمارت‌های ویران دوران قبل و بعد از اسلام، اشاراتی نیز به تلاش برای خرید سکه‌های قدیمی و باستانی و نسخ خطی و همچنین نابودی بعضی از سکه‌های کهن بر اثر بی‌توجهی مردم محلی نسبت به ارزش تاریخی این نوع سکه‌ها آورده است.^۲ روایت موریه از تلاش خود و افراد همراهش برای جمع‌آوری سکه‌های قدیمی ایران، افزون بر روشن کردن نقش اروپاییان شرق‌شناس یا عتیقه‌جمع‌کن در اهمیت بخشیدن به آثار و اشیای تاریخی در ایران و به تدریج ایجاد بازارهای تجاری برای این قبیل اشیای از سوی خریداران اروپایی، نشان می‌دهد که عموم مردم ایران به اشیای کهن و قدیمی و از جمله سکه‌های قرون گذشته تنها به جنبه‌ی مادی عینی و ملموس آن نگاه و توجه می‌کردند و سکه‌های کهنه غالباً یا برای مصرف دوباره‌ی فلزات آن‌ها ذوب می‌شدند و یا در صورت فقدان ارزش مادی عینی، به عنوان اشیای زینتی از سوی زنان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. موریه در جای دیگری از گزارش سفر خود و به هنگام توصیف آثار تاریخی شهر همدان، از شیفتگی خود و اعضای هیئت همراهش به «سکه‌های دوران‌های اشکانی و ساسانی» یاد کرده و می‌نویسد «در همدان و یک دهکده که در سه فرسنگی آن است، شمار زیادی از آن‌ها یافت شد».^۳ این توجه خاص موریه و به قول وی «شیفتگی» او و اعضای هیئت بریتانیایی همراهش به سکه‌ها و آثار برجای‌مانده از دوره‌های اشکانی و ساسانی احتمالاً نقش مؤثری در گردآوری و تأمین اسناد و مدارک تاریخی همزمان با دوران اشکانیان و ساسانیان برای تدوین و تألیف نخستین تواریخ علمی جدید درباره‌ی دوره‌های اشکانی و ساسانی از سوی

۱. آلفونس گابریل، (۱۳۴۸)، *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه‌ی فتح‌علی خواجه نوری، تهران:

ابن‌سینا، ص. ۲۲۴.

۲. جیمز موریه، (۱۳۸۶)، *سفرنامه‌ی جیمز موریه*، ج. ۱، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، تهران: توس، ص. ۴۱۷-

۴۱۸.

۳. همان، ج. ۲، ص. ۳۰۸.

ایران‌شناسان بریتانیایی و مورخانی چون جورج راولینسون^۱ داشته است.^۲ موریه همچنین در قسمت دیگری از سفرنامه‌اش از خرید «چندین نسخه‌ی خطی بسیار گران‌بها و عالی و نیز شماری زیاد تابلو نقاشی ایرانی» که احتمالاً منظور وی نقاشی‌های مینیاتوری بوده است، «به یاری دلالتان که کسان سودمند اما دغلکاری» بودند و کتاب‌های مورد نظر اعضای هیئت موریه را از «دکان‌ها یا خانه‌های مردم» برای آن‌ها پیدا می‌کردند، سخن می‌گوید.^۳

افزون بر این‌ها، بریتانیایی‌ها و سپس فرانسوی‌ها که در دوره‌ی قاجاریه بر سر خارج کردن آثار تاریخی ایران و بین‌النهرین و پر کردن موزه‌های بریتانیا و لوور رقابت تنگاتنگی با یکدیگر داشتند، نقش مؤثری در خروج قطعات سنگی سایت‌ها و بناهای باستانی معظم ایران، به ویژه از تخت جمشید و شوش ایفا کردند.^۴ البته بررسی تاریخ تحولات باستان‌شناسی سایت‌هایی چون تخت جمشید، پاسارگاد و شوش در دوره‌ی قاجار و نیز ادوار بعد به دلیل گستردگی حجم مطالب موجود نیازمند مطالعات مستقل دیگر است، اما در این مبحث اشاره به این نکته ضروری است که سایت‌ها و بناهای باستانی برجای‌مانده در دو منطقه‌ی پهناور و غنی فارس و شوش (خوزستان) و به خصوص بناهای هخامنشی در سراسر دوره‌ی قاجاریه مورد توجه جدی و فراگیر شرق‌شناسان و سیاحان اروپایی قرار داشتند که در مورد شوش، نمونه‌ی مشهور و شایان ذکر آن سفر سر اوستن هنری لایارد^۵ به مناطق جنوب غربی ایران و تلاش وی برای رفتن به شوش است. لایارد

1. George Rawlinson (1812-1902)

۲. جورج راولینسون با نگارش دو کتاب *ششمین پادشاهی بزرگ تشرق دربارهی اشکانیان و هفتمین پادشاهی بزرگ شرق دربارهی سلسله‌ی ساسانیان* در زمره نخستین ایران‌شناسانی جای گرفت که امپراطوری اشکانیان را کشف و به جهان معرفی کردند:

George Rawlinson, (1873), *the Sixth Great Oriental Monarchy*, London: Longmans Green and Co.; George Rawlinson (1882-1885), *The Seventh Great Oriental Monarchy*, 3 Vols., New York: Dodd Mead and Company.

۳. *سفرنامه‌ی جیمز موریه*، ج. ۲، ص. ۱۹۲.

۴. برای ملاحظه‌ی نمونه‌ای از این رقابت‌ها در پر کردن موزه‌های مذکور در بیان حفاران فرانسوی نک. ژان دیولافوا، (۱۳۷۶)، *سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش*: ۱۸۸۶-۱۸۸۴، ترجمه‌ی ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران، ص. ۲۴۵.

5. Sir Austen Henry Layard (1817-1894)

از بررسان و جست‌وجوگران آثار باستانی ایران، و طی سال‌های ۱۲۵۶-۱۲۵۸ ق. / ۱۸۴۰-۱۸۴۲ م. مأمور انگلستان در جنوب غربی ایران و سرزمین بختیاری‌ها بود که به دلیل تهیه نخستین گزارش‌ها از زندگی مردمان بختیاری شهرت بسزایی در مطالعات ایران‌شناسی دارد. علاوه بر آن او در ادامه‌ی کاوش‌های باستان‌شناسانه‌ی خود موفق به کشف شهر آشوری نینوا طی حفاری‌های موصل در سال ۱۲۶۱ ق. / ۱۸۴۵ م. شد و در عین حال از مجموعه‌داران بنام اروپا در جمع‌آوری آثار نقاشان ایتالیایی به شمار می‌رفت. لایارد در تلاش خود برای رفتن به شوش و بررسی آثار تاریخی آن به طور مکرر از مخالفت مردم، امرای محلی و رؤسای طوایف بختیاری^۱ با بازدید او از شوش سخن گفته و می‌نویسد که غالب آن‌ها معتقد بودند هدف اصلی وی از سفر به شوش دستیابی به گنجینه‌ای مدفون در آنجا است و بر این اساس از او می‌خواستند که محل اختفای آن دَفینه را به آن‌ها نشان دهد و لایارد در نهایت به همین دلیل و احساس خطر ناشی از آن از بررسی شوش صرف‌نظر می‌کند.^۲

اما گذشته از شوش که به واسطه‌ی نوشته‌های کتاب مقدس و تورات همواره شهرت تاریخی گسترده‌ای نزد اروپاییان داشته است،^۳ اشارات متعددی نیز در باب خارج کردن قسمت‌های مختلفی از تخت جمشید توسط بریتانیایی‌ها در دوره‌ی مورد بحث در سفرنامه‌های اروپاییان ثبت شده است. برای نمونه، موریس دو کوتزبوه،^۴ از افسران آلمانی ارتش روسیه در دوره‌ی فتحعلی شاه که شرح مشاهدات خود از ایران را با اجازه‌ی سفیر کبیر روسیه به نگارش درآورده است، به هنگام ذکر مرادوات خود با افسران بریتانیایی، ضمن اشاره به این که برخی از کلنل‌های انگلستان به هنگام خروج از ایران مسکوکات و

۱. هرچند برخی از سیاحان انگلیسی از علاقه‌ی بعضی سرداران بختیاری به گردآوری اشیای عتیقه سخن گفته‌اند. برای نمونه نک. ای. آر. دوراند، (۱۳۴۶)، *سفرنامه‌ی دوراند: مربوط به سفر هیئت سر مورتمور دوراند وزیرمختار انگلیس در ایران*، ترجمه‌ی علی محمد ساکی، خرم‌آباد: کتاب‌فروشی محمدی، ص. ۶۴.

۲. اوستن هنری لایارد، (۱۳۶۷)، *سفرنامه‌ی لایارد یا ماجراهای الهیه در ایران*، ترجمه‌ی مهرباب امیری، تهران: وحید، ص. ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۶-۱۲۷.

۳. برای ملاحظه‌ی نمونه‌هایی از جایگاه ایران و شهرهای باستانی آن و از جمله شوش و عیلام در «کتاب مقدس»، نک. کتاب مقدس، سفر پیدایش، ۱: ۱۴، ۴، ۵، ۹، ۱۷، کتاب عزرا، ۴: ۹، کتاب استر، ۱: ۲۱-۵.

4. Morris de Kotzebue

قطعاتی از نقوش و کتیبه‌های تخت جمشید را نیز با خود می‌بردند، از تقدیم چند مسکوک و یک قطعه از بال یکی از اسفنجس‌های تخت جمشید از سوی کلنل «جونسن» به ژنرال روسی، «یرمولوف» (فرمانده قوای روسیه در جنگ قفقاز)، نیز یاد کرده است!^۱ این‌گونه رفتارها که در حوزه‌ی حفاری‌های آزادانه در خاک ایران به قصد گنج‌بابی یا کشف آثار باستانی نیز نظایر فراوان دارد،^۲ آشکارا میزان خودمختاری تقریباً مطلق بیگانگان در برخورد با آثار تاریخی ایران یا بدل و بخشش و خروج آن‌ها در دوران قاجاریه را به نمایش می‌گذارد.

همچنین اوژن فلاندن،^۳ شرق‌شناس و ایران‌شناس معروف فرانسوی که به همراه گزایوه پاسکال کوست^۴ در زمان محمد شاه قاجار از طرف دولت فرانسه و با مأموریت بررسی و شناسایی آثار عهد باستان به ایران آمد و مطالعات دقیقی را در مورد آثاری چون تخت جمشید و نقش رستم به انجام رساند، در سفرنامه‌ی خود از قول یکی از امرای محلی فارس از حفاریات بریتانیایی‌ها در تخت جمشید و کشف برخی از آثار کهن باستانی نیز یاد کرده است.^۵ او در ادامه به گفت‌وگوی خود با کارگران حفاری که برای انگلیسی‌های مزبور هم کار کرده بودند، اشاره می‌کند^۶ و با این که نحوه‌ی روایتش از حفاری‌های بریتانیایی‌ها از خصومت و رقابت میان فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها خالی نیست، اما خود نیز به انجام کارهای مشابه آن‌ها و از جمله حفاری در نقش رستم و بیرون آوردن قسمت‌هایی از نقوش آن از زیر خاک^۷ و همچنین بردن قطعاتی از نقوش و کتیبه‌های تخت جمشید، اذعان

۱. موریس دو کوتز بوئه، (۱۳۶۵)، *مسافرت به ایران*، ترجمه‌ی محمود هدایت، تهران: جاویدان، ص. ۲۰۴-۲۰۶.

۲. برای نمونه نک. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، «اسناد حفاری غیرقانونی اتباع انگلیسی در کوه خواجه و سایت‌های ساسانی در سال ۱۳۲۴ ق.»، در *آرشیو ملی ایران*، ش. ۲۴۰/۷۶۸۵؛ *تاراج میراث ملی*، ج. ۳، اسناد هیئت انگلیسی ارل اشتین (۱۳۱۷ الی ۱۳۱۸ ش. برابر با ۱۸۹۹ الی ۱۹۳۹ م.).

3. Jean-Baptiste Eugène Napoléon Flandin (1809-1889)

4. Xavier Pascal Coste (1787-1879)

۵. اوژن فلاندن، (۲۵۳۶)، *سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه‌ی حسین نورصادقی، تهران: اشراقی، ص. ۲۸۰.

۶. همان، ص. ۲۸۷.

۷. همان، ص. ۲۷۷.

دارد.^۱ افزون بر این‌ها، فلاندن نیز مانند سایر اروپاییان سیاح یا شرق‌شناس در جست‌وجوی آثار و اشیای عتیقه با دلالتان و جا‌اعلان آثار عتیقه که مهم‌ترین آن‌ها به گفته‌ی تقریباً تمامی جهان‌گردان مذکور از یهودیان^۲ - به خصوص در شهرهای همدان و اصفهان - و در مرتبه‌ی پایین‌تر از ارمنی‌ها بودند، ارتباط پیدا می‌کند. در اینجا شایان ذکر است که همدان از نظر آثار و اشیای عتیقه در دوره‌ی قاجار شهرت بسزایی دارد و مورد توجه تمامی شرق‌شناسان و جست‌وجوگران اروپایی عتیقه‌جات است،^۳ و فلاندن درباره‌ی یهودیان سکه‌ساز همدان اشاره می‌کند که «تنها یهودی‌ها مقداری زیاد سکه‌های یونانی و ساسانی می‌سازند و بیشتر سکه‌ها صورت اسکندر و اردشیر را دارد ... یهودی‌ها هم که تمام کوششان [کذا] در استفاده و نفع شخصی است و به ویژه در تجارت و معامله سکه‌ها سررشته کامل دارند، بدین عمل مبادرت کرده، از روی سکه‌های اصلی سکه‌های بدلی ساخته‌اند. به من گفتند بیشتر این سکه‌ها را دوست‌داران اروپایی‌اش می‌خرند.»^۴

البته اشاره به کاوش و حفاری و خروج کتیبه‌ها و نقوش تخت جمشید و قبور اطراف آن تنها به فرانسویان رقیب بریتانیا ختم نمی‌شود و مأموران روسی را نیز در بر می‌گیرد که از میان آن‌ها کلنل چریکوف،^۵ رئیس کمیسیون تعیین مرزهای ایران و عثمانی، شرحی از تخریب‌های مردم محلی و سیاحان خارجی را در این باره در سیاحت‌نامه‌ی خود آورده

۱. همان، ص. ۴۰۴-۴۰۵.

۲. از میان اروپاییان مورد بحث، لرد کرزن به طور کلی اکثر دلالتان فعال در بازار «کالاهای کمیاب و فرش» و آثار صنایع دستی ایران را کلیمی معرفی می‌کند که «اجناس خود را بر پشت الاغ به محله‌ی اروپاییان حمل می‌کنند»، نک. جرج ن. کرزن، (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه‌ی ایران*، ج. ۱، ترجمه‌ی غلام‌علی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی، ص. ۴۳۷-۴۳۸.

۳. هینریش بروگش، سفیر پروس در ایران در اواسط عهد ناصری و از شرق‌شناسان بنام آلمانی، در سفرنامه‌ی خود در باب گنجینه‌های هخامنشی و سپس مقدونی همدان از «حفاری‌های صد ساله‌ی اخیر» و «در سال‌های قبل از تسلط قاجاریه» سخن گفته و از جمله می‌نویسد: «این خزاین را در حفاری‌های صد ساله‌ی اخیر یا عتیقه‌خرها غارت کرده‌اند و یا هنوز در دل تپه‌ها مدفون مانده‌اند ... و این حفاری‌های بی‌رویه تمام آثار دوران عظمت همدان را ... ویران کردند و از بین بردند»، نک. سفری به دربار سلطان صاحب‌قران، ج. ۱، ص. ۳۰۲-۳۰۳.

۴. سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران، ص. ۱۷۸.

5. Cherikov

است. به نوشته‌ی او، بعضی از ستون‌های تخت جمشید از سوی «دزدها» و برای دستیابی به سرب‌های محل اتصال ستون‌ها برای فروش، و بعضی از نقوش آن برای جدا کردن کتیبه‌ها به دست سیاحان شکسته شده‌اند.^۱ او همچنین در حین دیدار و توصیف تخت جمشید به موضوع آتش زدن این تختگاه از سوی اسکندر مقدونی از قول مورخان یونانی نیز اشاره کرده و در این باب بدون هیچ توضیحی تنها می‌نویسد «ولی این گونه حرکت نباید صحت داشته باشد».^۲

در عین حال از منظر مطالعات ایران‌شناسی نیز به غیر از انگلیسی‌ها و فرانسویان ذکر شده، از میان مأموران سیاسی روسیه هم سیاحان و ایران‌شناسانی از همان اوایل دوره‌ی قاجار بودند که به صورتی موظف به جست‌وجو و بررسی آثار باستانی و تاریخی ایران پیردازند. از میان این ایران‌شناسان روسی که در اوایل دوره‌ی قاجار بدین کار روی آورده‌اند، کلمنت اوگاستس (اوگوستوس) دو بد،^۳ نایب اول سفارت روسیه در دوره‌ی وقوع ماجرای قتل گریبایدوف، شهرت درخوری در حوزه‌ی مطالعات بازمانده‌های باستانی ایران و نگارش سفرنامه دارد. او هم بسان سایر هم‌تایان خود نسبت به پیدا کردن و خرید سکه‌های کهن در ایران حساس و مشتاق است و در این باره اشارات چندی را در مورد خرید سکه‌های قدیمی، از بین بردن سکه‌های تاریخی از سوی مردم محلی از طریق ذوب کردن سکه‌ها^۴ و به طور کلی بی‌اطلاعی و بی‌تفاوتی عمومی مردم نسبت به آثار باستانی کشورشان^۵ در سفرنامه‌اش آورده است.^۶ ضمن آن که مطالب سفرنامه‌ی او کمتر ارتباطی با

۱. چریکف (۱۳۵۸)، *سیاحت‌نامه‌ی مسیو چریکف*، ترجمه‌ی آبکار مسیحی، به کوشش علی‌اصغر عمران،

تهران: امیرکبیر، ص. ۱۷-۱۸.

۲. همان، ص. ۲۰.

3. Clement Augustus de Bode (1806-1887)

۴. کلمنت اوگاستس دو بد، (۱۳۸۴)، *سفرنامه‌ی لرستان و خوزستان*، ترجمه‌ی محمدحسن آریا، تهران:

علمی و فرهنگی، ص. ۱۳۷.

۵. همان، ص. ۳۶۳.

۶. برای نمونه‌های دیگری از بی‌تفاوتی عمومی مردم ایران عصر قاجار نسبت به آثار باستانی و نابودی غیر عمدی یا عمدی آن‌ها برای دستیابی به دفینه‌های پنهان، قسمت‌های قابل فروش بناها همچون کاشی‌های قدیمی یا انگیزه‌های دیگر، نک. *سفری به دربار سلطان صاحب‌قران*، ج. ۱، ص. ۲۵۱؛ ج. ۲،

مأموریت سیاسی وی دارند و بیشتر بیان موضوعات دیگر و شرح و توصیف آثار باستانی ایران یا تغذیه‌ی موزه‌های روسیه با آثار تاریخی ایران است.^۱ اما همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، مجموع تلاش‌های اروپاییان شرق‌شناس در ورود به عرصه‌ی جست‌وجوهای باستان‌شناسانه‌ی عتیقه‌محور در ایران عصر قاجار با شروع دوره‌ی ناصری گسترش بیشتری یافت و افزایش نفوذ و حضور اروپاییان در ایران طی دوران طولانی سلطنت ناصرالدین شاه و کسب امتیازات گوناگون سیاسی و اقتصادی در ایران به حوزه‌ی آثار باستانی و انحصار کاوش‌های باستان‌شناسانه و عتیقه‌یابی نیز کشیده شد که نقطه‌ی اوج آن کسب امتیاز انحصاری انجام فعالیت‌ها و کاوش‌های عتیقه‌جات در شوش و سپس در سراسر خاک «ممالک محروسه ایران» در عهد ناصرالدین شاه و سپس مظفرالدین شاه از سوی فرانسویان بود.^۲ حتی بر اساس گفته‌های بعضی از خاورشناسان و سفرنامه‌نویسان اروپایی مربوط به دوره‌ی ناصری همچون کنت آرتور دو گوینو،^۳ خاورشناس مشهور فرانسوی، می‌توان گفت که نخستین مرمت‌های بناهای تاریخی ادوار نزدیک به دوران قاجار و در حال استفاده نیز به دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه مربوط است.^۴ اما نکته‌ی جالب در مورد رشد کندوکاوهای باستان‌شناسانه‌ی گنج‌محور و توسعه‌ی دادوستدهای تجاری آثار هنری و عتیقه در دوره‌ی ناصری که مورد اشاره‌ی اروپاییان مقیم ایران در آن عهد قرار گرفته است، ورود شخص شاه به این عرصه است که

ص. ۳۴۶؛ ژان دیولافوا (۱۳۷۱)، *ایران، کلمه و شوش*، ترجمه‌ی علی‌محمد فره‌وشی، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران، ص. ۴۲۶، ۴۵۰.

۱. *سفرنامه‌ی لرستان و خوزستان*، ص. ۱۱۰.

۲. *تاریخچه‌ی علم باستان‌شناسی*، ص. ۱-۲؛ علی‌اصغر شمیم، (۱۳۴۲)، *ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار*، تهران: ابن سینا، ص. ۲۱۱. البته لازم به اشاره است که حفاری‌های باستان‌شناسانه‌ی فرانسویان تنها به شوش محدود نمی‌شد و نقاط دیگری در غرب ایران و بین‌النهرین را نیز در بر می‌گرفت. برای نمونه کنت ژولین دو روش‌شوار از حفاری در یک گور سلجوقی زیر نظر دلاپورت کنسول فرانسه در بغداد و ارسال اشیای گوناگون یافت‌شده از سوی کنسول برای وی در سال ۱۲۸۱ ق. / ۱۸۶۴ م. یاد می‌کند. نک. ژولین دو روش‌شوار (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه‌ی مهران توکلی، تهران: نی، ص. ۳۴.

3. Joseph Arthur de Gobineau (1816-1882)

۴. آرتور دو گوینو، (۱۳۶۷)، *سه سال در آسیا (۱۸۵۱-۱۸۵۵)*، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتاب‌سرا، ص. ۲۰۴.

نقطه‌ی اوج آن تأسیس موزه‌ی اشیای تاریخی از سوی ناصرالدین شاه در مجموعه‌ی کاخ گلستان به تقلید از موزه‌های اروپایی، دستور وی به بعضی حفاری‌ها در نقاط مختلف کشور و اعطای امتیاز حفاری باستان‌شناسی به فرانسویان و در رأس آن‌ها امتیاز حفاری در شوش به زوج دیولافوا^۱ با حمایت طولوزان^۲، طبیب فرانسوی شاه، به شمار می‌رود.^۳

از اشارات مهم در باب شرح حال کندوکاوه‌های باستان‌شناسانه و عتیقه‌یابی در ایران عهد قاجار، مکتوبات یک فرانسوی از اواخر عصر ناصری به نام هانری بایندر^۴ است که در سال ۱۲۹۴ ق. / ۱۸۸۷ م. و بعد از دیولافواها از طرف وزارت آموزش عمومی دولت فرانسه با هدف شناسایی مناطق غربی ایران، کردستان و بین‌النهرین رهسپار ایران شد. بایندر که از مسیر قفقاز رهسپار ایران شده بود، نخستین تجربه‌ی خود از خرید اشیای قدیمی را با ذکر خرید آجری از مسجدی قدیمی در ایروان، آن هم از یکی از متولیان مسجد و به صورت پنهانی و با مخفی کردن آن در زیر جلیقه‌ی خود، بیان می‌کند^۵ و سپس در جایی دیگر از سفرنامه‌اش به مجموعه آثار هنری گردآوری‌شده از سوی «کنسول» فرانسه در ایران، شامل «اشیایی بسیار زیبا و نسخه‌های بسیار نادر»، اشاره‌ای می‌کند.^۶ او همچنین از قول کنسول فرانسه از حفاری‌های بی‌حاصل انگلیسی‌ها با صرف هزینه‌های بسیار در یک کاخ باستانی در تفلیس که در آن زمان بسیار مورد بحث بوده، خبر می‌دهد که نهایتاً به دلیل کشف آثار اندک و کم‌اهمیت متوقف می‌شود،^۷ مطلبی که به وضوح نشان

1. *Marcel-Auguste Dieulafoy* (1844-1920) & *Jane Dieulafoy* (1851-1916)

2. *Joseph Desire Tholozan* (1820-1897)

۳. برای ملاحظه‌ی گفت‌وگوی این زوج باستان‌شناس و عتیقه‌باز فرانسوی با ناصرالدین شاه و نقش تولوزان در حمایت از این دو، نک. *ایران، کلمه و شوش*، ص. ۱۴۳-۱۴۴؛ *سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش: ۱۸۸۶-۱۸۸۴*، ص. ۲-۳. همچنین برای ملاحظه‌ی اسناد مربوط به خروج آثار باستانی ایران از سوی هیئت‌های باستان‌شناسی فرانسه، نک. *تاراج میراث ملی*، ج. ۱، هیئت فرانسوی (۱۳۲۹-۱۳۱۵ ق. / ۱۹۱۱-۱۸۹۷ م.).

4. *Henry Binder* (1855-?)

۵. هانری بایندر (۱۳۷۰)، *سفرنامه‌ی هانری بایندر: کردستان، بین‌النهرین و ایران*، ترجمه‌ی کرامت‌الله افسر، تهران: فرهنگ‌سرا، ص. ۳۷-۳۹.

۶. همان، ص. ۷۰-۷۱.

۷. همان، ص. ۱۵۷.

می‌دهد حتی در حفاری‌های علمی باستان‌شناسی نیز ملاحظات و ارزش مادی آثار و اشیای مکشوفه در تداوم یا توقف کاوش‌ها دخالت داشته است. البته نوشته‌های بایندر نیز همانند سایر همتایان فرانسوی خود که در جست‌وجوی آثار باستانی و بررسی‌های میدانی ایران بدین سرزمین می‌آمدند، از موضع‌گیری نسبت به انگلیسی‌ها و ابراز ضمنی رقابت میان مأموران این دو کشور در ایران و بین‌النهرین خالی نیست.

اما با وجود غلبه‌ی کمی و کیفی شرق‌شناسان بریتانیایی، فرانسوی و سپس روسی بر سایر جویندگان و پژوهشگران اروپایی آثار باستانی ایران در دوران حاکمیت قاجارها و به‌طور خاص عهد ناصری، خاورشناسان اروپایی دیگری نیز در این دوران به چشم می‌خورند که در آثار خود نسبت به موارد تاریخی و فرهنگی ایران حساسیت نشان داده یا با نگاهی محققانه و جست‌وجوگرانه به این موارد نگریده‌اند. از میان این دسته از بررسان اروپایی که سفرنامه‌ی مستقلی در باب ایران‌زمین به نگارش درآورده‌اند، سفرنامه‌ی اول هینریش بروگش^۱ مربوط به سال‌های ۱۲۷۶ تا ۱۲۷۸ ق. / ۱۸۵۹ تا ۱۸۶۱ م.، سفیر پروس در ایران در اواسط دوره‌ی ناصری و شرق‌شناس و استاد دانشگاه برلین، که نوشته‌هایش در باب اهمیت آثار تاریخی همدان پیش از این نیز مورد اشاره قرار گرفت، مطالب قابل ملاحظه‌ای در حوزه‌ی آثار تاریخی ایران در بردارد. او در یکی از این اشارات خود به توصیف اثری تاریخی در همدان می‌پردازد که بر خلاف انتظار در زمان بازدید وی هنوز بر سر جای خود قرار داشت^۲ و در ادامه‌ی همین مطلب از خرید «مقداری از سکه‌های قدیمی و اشیای عتیقه» با کمک راهنمای ارمنی‌شان و نیز مشاهده‌ی «قطعات ظروف شکسته‌ی سفالی و بلوری قدیمی بر روی زمین» بر اثر «حفریات بدون نظم و ترتیب و ویرانگر برای جست‌وجوی سکه‌ها و ظروف قدیمی» در «کنار خرابه‌های حصار قدیمی و باستانی همدان» در مسیر رفتن به دامنه‌ی کوه الوند و بازدید کتیبه‌های میخی گنج‌نامه سخن می‌گوید^۳ و از تصورات مردم عامی در باب کتیبه‌های میخی مزبور یاد

1. Heinrich Karl Brugsch (1827-1894)

۲. سفری به دربار سلطان صاحب‌قران، ج. ۱، ص. ۳۱۱.

۳. همان.

می‌کند که طبق آن به دلیل باور مردم به وجود گنج‌های بزرگ نهفته در دل کوه الوند، این نوشته‌های میخی به عنوان کلید رمز دست‌یابی به آن گنج‌های باستانی، «گنج‌نامه» نامیده شده‌اند.^۱ صحنه‌ی پایانی این بازدید و پس از بازگشت به منزل همان صحنه‌ای است که غالب سیاحان مشابه نیز بارها بدان اشاره کرده‌اند، یعنی مواجهه با عتیقه‌فروشان یهودی و ارمنی که در منزل انتظار بازگشت بروگش و همراهانش را می‌کشیدند.^۲

اشاره‌ی دیگر بروگش به فعالیت‌ها و جست‌وجوهای گنج‌یابی و سکه‌یابی یهودیان همدان، از یافتن زمین‌های دارای دفینه‌های سکه‌های طلا و نقره و اقدام به کاوش در این اراضی با صرف پول حکایت می‌کند^۳ و نظیر همین مضامین را در باب آثار تاریخی اصفهان نیز ثبت کرده که یک مورد آن به خرابه‌ها و ویرانه‌های یک قصر قدیمی و احتمالاً متعلق به شاه عباس صفوی در حوالی اصفهان مربوط است که به گفته‌ی او «متأسفانه تمام نقایس و مخصوصاً کاشی‌های قیمتی این قصر را خراب کرده و به اصفهان برده‌اند و بقیه‌ی آن را نیز روستاییان کنده و به عتیقه‌فروشان یهودی فروخته بودند».^۴ اهمیت و گستره‌ی برخورد بروگش و به طور کلی خارجی‌ها در ایران با این گروه عتیقه‌فروشان یا در حقیقت دلالان اشیای قدیمی و کمیاب تا اندازه‌ای است که وی فصلی از سیاحت‌نامه‌ی خود را با عنوان «دلال‌های ایرانی و اشیای نفیس و عتیقه» به توصیف و شرح نحوه‌ی عمل آن‌ها در مواجهه با خارجی‌ها اختصاص داده است. در ابتدای این فصل بروگش در توصیف دلال‌ها آن‌ها را برای دوستی با خارجی‌ها و رفع نیازمندی‌های آنان «فوق‌العاده بالارزش و گران‌بها» می‌خواند که «بدون وجود دلال‌ها، خارجی‌ها از گذشته و حال ایران اطلاعی نمی‌توانند به دست آورند»، ولی در همان حال تذکر می‌دهد که «در عین حال دلال‌ها بلایی هم برای خارجی‌ها به شمار می‌آیند»، زیرا «آن‌ها مانند خورشید هستند که انوارشان گرچه انسان را گرم می‌کند، ولی اگر مدتی تابش آن ادامه پیدا کند، پوست بدن را

۱. همان، ص. ۳۱۲-۳۱۳.

۲. همان، ص. ۳۱۵.

۳. همان، ج. ۲، ص. ۳۲۹.

۴. همان، ص. ۳۵۷.

می‌سوزاند».^۱

توصیفات بروگش و نیز برخی دیگر از سیاحان و شرق‌شناسان اروپایی گاه بسیار مفصل و سرشار از جزئیات ریز و گوناگون روابطشان با دلان عتیقه در ایران است که نشان می‌دهد او و هم‌تایان اروپایی‌اش برخوردهای مکرر و متعددی با این گروه از طبقات جامعه‌ی ایرانی داشته و به خوبی به خصوصیات و ویژگی‌های رفتاری این دلال‌ها پی برده و به ویژه با راه و روش و فوت‌وفن‌های آن‌ها در فروش اشیای واقعی و تقلبی عتیقه یا هنری به اروپاییان آشنا شده‌اند، چنان‌که او خود در این باره می‌نویسد: «ما طی اقامت چند ماهه در تهران با راه و روش دلال‌ها خوب آشنا شدیم و به اصطلاح کلاس آن‌ها را گذراندیم.»^۲ یکی از پرتکرارترین این ویژگی‌ها در توصیفات ثبت‌شده از سوی اروپاییان ایران‌گرد، نحوه‌ی مشتری‌یابی و اصطلاحاً بازارگرایی و صحنه‌سازی این دلالان برای فروش کالاهایشان است که در عین رقابت با یکدیگر، در وقت لزوم، با همدیگر همراه شده در تبلیغ برای اشیای عتیقه‌ی غالباً مجعولشان صحنه‌آرایی‌های مفصل می‌چینند و با تحمل صبر و شکیبایی کم‌نظیر، آمدن و رفتن‌های مکرر و ارائه‌ی کالاهای جدید، به هیچ‌عنوان مشتری‌فرنگی خود را رها نمی‌سازند و به رغم تن دادن به چانه‌زنی‌ها و تعارفات طولانی، از سود معینشان نیز چشم‌پوشی نمی‌کنند، و در نهایت «هر طوری شده آن جنس را به فروش می‌رسانند و مشتری را وادار به خرید می‌کنند».^۳

بروگش در ادامه فهرست توصیفی کاملی از «اجناس و کالاهای عتیقه و نفیس که توسط دلال‌ها به مشتریان خارجی عرضه می‌شود» می‌آورد که مطمئناً برای سایر اروپاییان هم‌عصر وی بسیار مفید بوده است. موارد مطروحه در این فهرست عبارت‌اند از (۱) «سکه‌ها و مدال‌های قدیمی یا به قول ایرانیان پول کهنه» که به گفته‌ی او «به ویژه آرامنه و یهودیان» در کار جعل سکه‌های قدیمی مهارت دارند و فعال‌اند و او مراکز این «تقلب و جعل» را «همدان و شیراز» معرفی می‌کند؛ (۲) «جواهرات حکاکی‌شده» که به باور یا

۱. همان، ص. ۳۸۵.

۲. همان، ص. ۳۸۶-۳۸۷.

۳. همان، ص. ۳۸۶.

تجربه‌ی وی «جواهرات قدیمی از نظر هنری ارزش زیادی» نداشتند؛ (۳) «سلاح‌های قدیم و جدید ایران» شامل سلاح‌های سرد و گرم عتیقه و جدید که به نوشته‌ی بروگش «سلاح سرد ساخت ایران از بهترین نوع خود در دنیا به شمار می‌رود» و «علاوه بر سلاح‌های ایرانی، اسلحه‌های افغان‌ها، ترکمن‌ها و هندی‌ها نیز به عنوان عتیقه به فروش می‌رسد. کاردهای هندی از نظر دسته‌های عاج، کاردهای افغانی از لحاظ جلدهای رنگارنگ و تزیین‌شده و تیر و پیکان‌های ترکمن‌ها از ممتازترین این سلاح‌های عتیقه به شمار می‌روند»؛ (۴) «فلزکاری روی آهن، فولاد، برنج، مس، نقره و طلا» که در این مورد بروگش می‌نویسد «همان طوری که در مورد محصولات صنعتی ایران نسبت به گذشته راه سقوط و انحطاط را پیش گرفته، در مورد فلزکاری هم ایرانی‌ها در حال حاضر کار جالبی را ارائه نداده و کارهای خوب و نفیس آن‌ها همه متعلق به دوران گذشته و قرون قبل است». او در این حوزه نیز یهودیان را از مهم‌ترین جواهرسازان آن روزگار ایران معرفی می‌کند؛ (۵) «خاتم‌کاری»؛ (۶) «نقاشی روی قلمدان و کارهای دستی»؛ (۷) «بافندگی پارچه‌های ابریشمی، پشمی، نخی و قلاب‌دوزی» که بروگش ضمن شرح نمونه‌های آن می‌گوید «یهودیان در فروش شال بیش از مسلمانان شرکت دارند»؛ (۸) و سرآخر «نسخه‌های خطی و تذهیب‌شده» که بروگش در این باب پس از بیان ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ی خوش‌نویسی و تذهیب نزد ایرانیان، ایران را «سرزمین خوش‌نویسان و خطوط» می‌نامد و می‌نویسد «به همین جهت دلال‌ها از جمله آثار هنری که به خارجی‌ها ارائه می‌کنند، همین نسخه‌های خوش‌نویسی است ... و چیزی که در نگاه اول توجه خارجی‌ها را جلب می‌کند تزئینات، نقاشی‌ها و تذهیب‌کاری‌هاست که در حاشیه‌ی آن خط خوش به کار می‌رود. قیمتی که دلال‌ها برای نسخه‌های کتب خطی تذهیب‌شده مطالبه می‌کنند، نسبتاً زیاد و بالاست.»^۱ او همچنین به خرید بعضی از نسخه‌های خطی و تابلوهای نقاشی به بهایی «هنگفت» اشاره می‌کند.^۲

۱. همان، ص. ۳۸۷-۴۰۱.

۲. همان، ص. ۴۰۱-۴۰۲.

فهرست ارائه‌شده از سوی بروگش به احتمال کامل‌ترین فهرستی است که در منابع تاریخی دوران قاجارها در باب کالاها و اشیای هنری و عتیقه‌ی مورد معامله به خصوص در دادوستد با خارجی‌ها ثبت و ضبط شده است. این فهرست و به ویژه توصیفات مفصل و جزئیاتی که او در باب هر یک از موارد هشتگانه‌ی فوق آورده، کمتر نظیری در منابع داخلی و حتی سفرنامه‌های شرق‌شناسان اروپایی آن عهد دارد و به خوبی از دقت نظر و نگاه محققانه‌ی بروگش در مقام یک شرق‌شناس و استاد مصرشناسی دانشگاه برلین حکایت می‌کند. هرچند نگاه او به گنجینه‌های پراکنده و فراوان آثار باستانی ایران تفاوت ماهوی چندانی با دیگر همتایان اروپایی وی ندارد، چه او نیز به این آثار به چشم مواریث بلاصاحبی نگاه می‌کند که به سهولت در دسترس موزه‌های اروپایی قرار دارند.^۱ این نکته نیز شایان ذکر است که بروگش نیز مانند تقریباً همه پژوهشگران حوزه‌ی شرق‌شناسی در طول مسافرت خود به نقاط مختلف ایران و بررسی‌های باستان‌شناسانه، از سایت‌های مهم تخت جمشید و پاسارگاد صرف نظر نکرده و شرحی توصیفی و محققانه در باب آثار مربوط به دوران ایران باستان در این دو منطقه آورده است که ضمن آن او نیز بر باور باستان‌شناسان به وجود «گنج‌های بسیاری از زمان هخامنشیان» در تخت جمشید و حفاری خارجی‌ها در آن منطقه و نیز پاسارگاد و یافتن و بردن «سکه‌ها و ظروف» زیاد صحه می‌گذارد،^۲ و حتی در جایی آن‌ها را «دانشمندان سودجو» می‌خواند،^۳ و البته اذعان می‌کند که خود وی و سایر اعضای هیئت سفارتی پروس هم بسان پیشینیانشان در میان ایلات و عشایر اطراف «پرس پولیس» به دنبال خرید سکه‌های قدیمی و اشیای عتیقه‌ی یافت‌شده در تخت جمشید بوده‌اند و نقش خود و افراد هیئت همراهش به عنوان اروپاییان را در تبدیل مردم محلی به تاجران عتیقه این گونه به اثبات می‌رساند که می‌نویسد «زنان ایلات بابت اشیایی که ارائه می‌دادند، پول زیادی هم مطالبه می‌کردند. البته آن‌ها عتیقه‌شناس نبودند و از ارزش واقعی این اشیا اطلاعی نداشتند و فقط از اصرار و اشتیاقی

۱. همان، ص. ۴۴۱.

۲. همان، ص. ۴۴۳، ۴۹۰.

۳. همان، ص. ۴۵۴.

که برای خرید آن‌ها نشان می‌دادیم، پی به ارزش آن‌ها می‌بردند.^۱ البته هینریش بروگش از جمله اروپاییانی است که بیش از یک بار به ایران سفر کرد و برای هر سفر سفرنامه‌ی مستقلی به رشته‌ی تحریر درآورد. از این رو او صاحب سفرنامه‌ی دومی هم هست که به سفر بعدی وی در سال ۱۳۰۴ق. / ۱۸۸۶ م. مربوط می‌شود و طی آن بروگش از راه روسیه و قفقاز به ایران آمد و از مناطق گیلان، تهران، اصفهان و شیراز دیدار کرد. او در خلال این سفر و سفرنامه‌ی آن نیز مشاهداتی از آثار باستانی ایران داشت و مطالبی را در باب این آثار و حفاری‌های باستان‌شناسانه به نگارش درآورد که از جمله‌ی آن‌ها موضوعاتی چون حفاری اروپاییان در تل یا تپه‌های باستانی ایران با استفاده از نفوذ محلی و اخذ «فرمان ویژه»^۲ استفاده‌ی مردم ری از مصالح خرابه‌های ری کهن و فروش آن به معماران تهرانی و نیز وجود ظروف سفالین ارزشمندی که خریداران مشتاقی در میان «کلکسیونرهای علاقه‌مند اروپایی» دارند، قابل ذکرند.^۳

نتیجه‌گیری

گزارش‌ها، مشاهدات و شرح اقدامات شرق‌شناسان اروپایی در عرصه‌ی کاوش‌ها و حفاری‌های باستان‌شناسانه، گنج‌یابی و گردآوری عتیقه‌جات ایرانی در دوران قاجارها، اسناد و مدارک دست‌اول و معتبری را در اختیار محققان امروزی می‌گذارند که بر اساس آن‌ها می‌توان جزئیات دقیق و گاه مفصلی را از تاریخ و روند تحولات باستان‌شناسی ایران در دوران مذکور ارائه کرد. از جمله‌ی مهم‌ترین این مسائل نقش اروپاییان و شرق‌شناسان در اهمیت بخشیدن و برجسته کردن توجه به آثار تاریخی و باستانی ایران و اشیای عتیقه است که موجب پیدایش بازارهای جدید یا توسعه‌ی دادوستد اندک این نوع آثار و اشیای در ایران و کشانده شدن آثار هنری و عتیقه‌ی ایرانی به سوی بازارها و موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی در اروپا و به تدریج سایر نقاط جهان شد. افزون بر آن، مطالعه‌ی گزارش‌ها و

۱. همان، ص. ۴۴۴.

۲. هینریش بروگش، (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب، ترجمه‌ی مجید جلیل‌وند، تهران: مرکز، ص. ۱۸۸-۱۸۹.

۳. همان، ص. ۱۹۱.

سفرنامه‌های شرق‌شناسان و سیاحان اروپایی نشان می‌دهد که بسیاری از آنان یا بر حسب علائق شخصی و یا به عنوان یک مأموریت دولتی، موظف به گردآوری و خروج آثار باستانی ایران به مقصد موزه‌های بزرگ اروپا چون لوور در پاریس و موزه‌ی بریتانیا در لندن بودند و از این رو رقابت شدیدی میان جویندگان و شرق‌شناسان بریتانیایی و فرانسوی در کشف و کسب امتیاز حفاری در محوطه‌های باستانی ایران و نیز بین‌النهرین در دوره‌ی قاجار وجود داشت که به خودی خود آسیب بسیاری را به بعضی از آثار تاریخی ایران وارد آورد، زیرا در مواردی باستان‌شناسان مورد اشاره برای جلوگیری از دستیابی رقیب به این آثار اقدام به از بین بردن آن‌ها می‌کردند. ضمن آن که بی‌خبری و بی‌اطلاعی عمومی حاکم بر دوره‌ی قاجار، اعم از رجال و دولتمردان یا مردم عادی، نیز این روند خروج یا انهدام آثار تاریخی را تشدید می‌کرد.

همچنین از گزارش‌ها و مکتوبات شرق‌شناسان و سیاحان این دوره برمی‌آید که نگاه عمومی ایرانیان آن دوره نسبت به آثار تاریخی و موارث فرهنگی برجای‌مانده از قرون گذشته، عمدتاً بر ارزش مادی این اشیاء متمرکز بوده و ارزش فرهنگی این آثار چندان در کانون توجه عمومی قرار نداشته است. از این رو، غالب کسانی که به حفاری یا تجارت این آثار روی می‌آوردند، در جست‌وجوی طلا و نقره یا به اصطلاح عام آن گنج بودند و همین امر نیز به سهم خود موجبات بی‌توجهی و نابودی عمدی یا غیرعمدی سایر اشیاء مکشوفه یا برجای‌مانده از قرون گذشته را فراهم می‌آورد. نوشته‌های دست اول شرق‌شناسان و سیاحان مورد بررسی در عین حال نوع نگاه و برخورد آنان با آثار و اشیاء تاریخی و باستانی ایران را نیز نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که غالب اروپاییان آن دوره به هنگام مواجهه با گستره‌ی وسیع آثار باستانی ایران و نیز بین‌النهرین، خود را در برابر اقیانوسی از آثار کهن و بلاصاحب می‌دیدند که قادرند هر گونه که مایل‌اند با این آثار رفتار کنند یا هر مقدار از این آثار را که می‌توانند، از ایران خارج سازند و در این مسیر از حمایت کامل دولت‌های متبوع خود نیز برخوردار بودند.

و در پایان لازم است بدین نکته نیز اشاره شود که در نتیجه‌ی مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسانه‌ی شرق‌شناسان اروپایی در دوره‌ی مورد بحث، بسیاری از آثار باستانی

ایران و نیز بین‌النهرین مورد شناسایی قرار گرفتند و دامنه‌ی اطلاعات تاریخی موجود در باب گذشته‌ی ایران‌زمین تحول اساسی و بنیادینی پیدا کرد. همچنین با حضور اروپاییان مذکور در عرصه‌ی جست‌وجوهای باستان‌شناسانه در ایران، به تدریج زمینه‌های شکل‌گیری و پیدایش مطالعات باستان‌شناسی علمی و مستقل در ایران نیز فراهم آمد که طی ادوار بعد نتایج گاه برجسته‌ای را در حوزه‌ی حفاری‌های باستان‌شناسی ایران به بار آورد.

منابع و مأخذ

- بایندر، هانری، (۱۳۷۰)، *سفرنامه‌ی هانری بایندر: کردستان، بین‌النهرین و ایران*، ترجمه‌ی کرامت‌الله افسر، تهران: فرهنگ‌سرا.
- براون، ادوارد گرانویل، (۱۳۸۱)، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه‌ی مانی صالحی علامه، تهران: ماه‌ریز.
- بروگش، هینریش، (۱۳۶۷)، *سفری به دربار سلطان صاحب‌قران*، ترجمه‌ی محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- بروگش، هینریش، (۱۳۷۴)، *در سرزمین آفتاب*، ترجمه‌ی مجید جلیل‌وند، تهران: مرکز.
- چریکف، واسیلی ایوانوویچ (۱۳۵۸)، *سیاحت‌نامه‌ی مسیو چریکف*، ترجمه‌ی آبکار مسیحی، به کوشش علی‌اصغر عمران، تهران: امیرکبیر.
- دو بد، کلمنت اوگاستس، (۱۳۸۴)، *سفرنامه‌ی لرستان و خوزستان*، ترجمه‌ی محمدحسن آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دوراند، ای. آر.، (۱۳۴۶)، *سفرنامه‌ی دوراند: مربوط به سفر هیئت سر‌مورتیمور دوراند وزیرمختار انگلیس در ایران*، ترجمه‌ی علی‌محمد ساکی، خرم‌آباد: کتاب‌فروشی محمدی.
- دیولافوا، ژان، (۱۳۷۶)، *سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش: ۱۸۸۶-۱۸۸۴*، ترجمه‌ی ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- دیولافوا، ژان، (۱۳۷۱)، *ایران، کلد و شوش*، ترجمه‌ی علی‌محمد فره‌وشی، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- روش‌شوار، ژولین دو، (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه‌ی مهران توکلی، تهران: نی.
- شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۴۲)، *ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار*، تهران: ابن‌سینا.
- طرفداری، علی‌محمد، (۱۳۸۱)، «تأملی در مبانی حقوقی مالکیت آثار باستانی در ایران»، *روزنامه ایران*، ش. ۲۳۴۶، ۱۳۸۱/۱۰/۱۱.
- فلاندن، اوژن، (۲۵۳۶)، *سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه‌ی حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- کرزن، جرج ن.، (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه‌ی ایران*، ج. ۱، ترجمه‌ی غلام‌علی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کریم‌لو، داود، (۱۳۸۴-۱۳۸۱)، *تاراج میراث ملی*، ج. ۴، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

- کو تزبونه، موريس دو، (۱۳۶۵)، مسافرت به ایران، ترجمه‌ی محمود هدایت، تهران: جاویدان.
- گابریل، آلفونس، (۱۳۴۸)، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه‌ی فتح‌علی خواجه نوری، تهران: ابن سینا.
- گوینو، ژوزف آرتور، (۱۳۶۷)، سه سال در آسیا (۱۸۵۱-۱۸۵۵)، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتاب‌سرا.
- لایارد، اوستن هنری، (۱۳۶۷)، سفرنامه‌ی لایارد یا ماجراهای الیه در ایران، ترجمه‌ی مهرباب امیری، تهران: وحید.
- معصومی، غلام‌رضا، (۱۳۸۳)، تاریخچه‌ی علم باستان‌شناسی، تهران: سمت.
- موریه، جیمز، (۱۳۸۶)، سفرنامه‌ی جیمز موریه، ۲ ج، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۸۵)، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، و نشر سبحان نور.
- ویلز، چارلز جیمز، (۱۳۸۸)، ایران در یک قرن پیش: سفرنامه‌ی دکتر ویلز، ترجمه‌ی غلام‌حسین قراگوزلو، تهران: اقبال.
- هلوینگ، باربارا؛ رحیمی‌پور، پاتریسیا، (۱۳۹۵)، تهران ۵۰؛ تاریخچه‌ی نیم قرن حضور باستان‌شناسان آلمانی در ایران، ترجمه‌ی حمید فهیمی، تهران: موزه‌ی ملی ایران.
- Rawlinson, George, (1873), *the Sixth Great Oriental Monarchy*, London: Longmans Green and Co.
- Rawlinson, George, (1882-1885), *The Seventh Great Oriental Monarchy*, 3 Vols., New York: Dodd Mead and Company.
- «اسناد حفاری غیرقانونی اتباع انگلیسی در کوه خواجه و سایت‌های ساسانی در سال ۱۳۲۴ ق.»، آرشیو ملی ایران، ش. ۲۴۰/۷۶۸۵.